

علم أصول الفقه

٢٠-١٢-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٦٠

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تجری بحثی کلامی

- بعد از مقدمه‌ای که گذشت به اصل بحث تجری باز می‌گردیم و به پاسخ سؤالات مطرح در این زمینه می‌پردازیم.

تجری بحثی کلامی

- سؤال این است:
- ۱. آیا کار متجری قبیح است؟
- ۲. آیا متجری استحقاق عقاب دارد؟
- ۳. آیا ممکن است شارع به اعتبار و جعل خویش تجری را حرام گرداند؟

تجری بحثی کلامی

- علما معمولاً این سه سؤال را با هم مورد بررسی قرار داده‌اند. زیرا آنها به نحوی با هم در ارتباط هستند.
- مرحوم شیخ انصاری معتقد است تجری از خبث سریره‌ی متجری حکایت دارد و صرفاً کاشف از سوء ذات وی است؛ اما بیش از این را نمی‌پذیرد.
- در نظر وی شخص متجری مخالفتی با واقع نکرده است. پس وجهی ندارد عمل وی را قبیح بشماریم، او را مستحق عقاب بدانیم و یا حرمت شرعی بر عمل او مترتب کنیم.

تجری بحثی کلامی

- تعبیر دیگری که در کلام شیخ هست و در کلام اصولی‌های بعد از او بیشتر مورد تأکید قرار گرفته، تفکیک بین قبح فاعلی و قبح فعلی است.
- بر اساس این تعبیر تجری قبح فعلی ندارد؛ ولی از قبح فاعلی برخوردار است. تجری نشان می‌دهد فاعل، شخص قبیحی است.
- این تعبیر با بیان قبلی شیخ در معنا یکسان است و فقط تفاوت آنها در تعابیر است.

تجری بحثی کلامی

- در مقابل این عده، شهید صدر می‌فرماید:
- هر فعلی حتماً با در نظر گرفتن فاعل، متصف به صفت قبح می‌شود و با قطع نظر از صدور فعل از فاعل، اصلاً قبح برای افعال ثابت نیست. بنابراین همیشه فرض صدور وجود دارد.
- فعلی قبیح است که فاعل آن مستحق ذم است یعنی در مقام تفسیر قبح فعل، بحث نکوهش فاعل مطرح می‌شود.

تجری بحثی کلامی

- با این وصف شهید صدر تفکیک بین قبح فاعلی و قبح فعلی را نمی‌پذیرد مگر این که مراد از قبح فاعلی آن گونه که مرحوم شیخ فرمود، سوء سریره‌ی فاعل باشد و چیزی جدای از آن، مقصود نباشد.
- و این در جایی است که خود عمل هیچ قبحی ندارد و حتی فاعل این عمل نیز سزاوار هیچ نوع نکوهشی نیست؛ اما فعل از سوء سریره‌ی فاعل خبر می‌دهد و کاشف از آن است.

تجری بحثی کلامی

- مثلی که شیخ در این مورد ذکر کرد الفاظ رکیک بود که کاشف از مفاهیم زشت هستند. زشتی از آن مفهوم است و خود لفظ از آن جهت که لفظ است، زشت نیست.
- به عبارت دیگر گاه خود لفظ، لفظ ناهنجاری است و گاه این طور نیست ولی معنای بدی دارد. قبح لفظ در صورت دوم به خاطر معنا است.
- در اینجا هم خود فعل قبیح نیست، اما کاشف از امری است که قبیح است و آن سوء سریره‌ی فاعل است. این صفت به حال متعلق موصوف است یعنی فعلی است که فاعل آن قبیح می‌باشد.

تجری بحثی کلامی

- اگرچه بعضی مطالب شهید صدر در اینجا قابل نقد است و جای بحث و گفت-وگو دارد؛ اما ما در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و به تحلیل اصل بحث می‌پردازیم.
- به طور مثال این تعبیر شهید که فرمود: قبح اصلاً صفت فعل نیست، تعبیر دقیقی نیست. درست است که از لوازم قبح فعل، نکوهش فاعل آن است؛ ولی قبح صفت خود فعل است.